

ارائه مدل مفهومی تحقق‌پذیری پروژه‌های طراحی شهری ایران بر مبنای نظریات فوکو و هابرماس

آرش ثقفی اصل^۱ - استادیار، گروه شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۲۰

چکیده

همزمان با رشد شتابان شهرنشینی و شکل‌گیری طرح‌های توسعه شهری، طراحی شهری از جمله تخصص‌هایی است که سعی در ارتقای کیفیت محیط دارد. با این حال رشته طراحی شهری در جهان، رشته جوان و نوظهوری است و این قضیه در ایران به مراتب بیشتر و پررنگ‌تر بوده و می‌توان گفت رشته نوپایی تلقی می‌شود. این قبیل پروژه‌ها در ایران از دهه هشتاد شمسی مورد توجه مدیران شهری قرار گرفته و در این مدت تجاربی حاصل شده است که از حیث موفقیت و تحقق‌پذیری، قابل تأمل و توجه است. از این رو بنا به ضرورت، مسئله اصلی تحقیق حاضر، تحقق‌پذیری پروژه‌های طراحی شهری ایران است که به منظور رسیدن به اهداف، از طریق مرور ادبیات تخصصی به بازخوانی مفهوم تحقق‌پذیری پرداخته و با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و توصیفی-تطبیقی، یافته‌های تحقیقات پیشین را به عنوان داده و اطلاعات پایه مورد بررسی قرار می‌دهد تا از طریق کشف ساختارها و روابط جدید در متون مزبور، پاسخ‌های لازم برای پرسش‌های تحقیق فراهم آمده و زمینه مناسبی برای شکل‌گیری چارچوب نظری و شناخت معیارهای مهم در امر تحقق‌پذیری و وضعیت آن در ایران ایجاد شود. از سویی مصاحبه با بازیگران اصلی تحقق این قبیل از پروژه‌ها و استفاده از پرسشنامه، راهگشای تحقیق بوده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد در شرایط موجود ایران، معیارهای مرتبط با قدرت (سیاسی-مدیریتی، اقتصادی و دانش)، دارای بیشترین میزان توجه و معیارهای مرتبط با گفتمان، مشارکت و تعامل (مشارکت عمومی، تعامل حقوقی و قانونی) دارای کمترین میزان توجه هستند. در نهایت مدلی تعاملی مبتنی بر توانی منطقی میان رویکرد از بالا به پایین و از پایین به بالا، بر پایه نظریه قدرت فوکو و نظریه کنش ارتباطی هابرماس برای تحقق بهتر پروژه‌های طراحی شهری در ایران پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی: مدل مفهومی تحقق‌پذیری، پروژه طراحی شهری، ایران، فوکو، هابرماس.

۶۹

شماره سی

بهار ۱۳۹۸

فصلنامه علمی-پژوهشی

مطالعات شهر

ارائه مدل مفهومی تحقق‌پذیری پروژه‌های طراحی شهری ایران
بر مبنای نظریات فوکو و هابرماس

۱. مقدمه

طراحی شهری دانش جوانی است که در تجربه جهانی سابقه‌ای پنجاه ساله دارد. طراحی شهری در ایران ابتدا به حوزه آکادمیک وارد شد و با گذشت سالها کم‌کم به حرفه‌ای تأثیرگذار در میان سایر حرفه‌های مداخله‌گر محیطی تبدیل شد. با افزایش آگاهی مدیران شهری، طراحی شهری به عرصه حرفه وارد شده و در قالب پروژه‌های طراحی شهری از اوایل دهه هشتاد شمسی مورد توجه قرار گرفت. در شهر تهران و سایر کلانشهرهای کشور اقداماتی برای اجرای پروژه‌های یاد شده صورت گرفته است. با توجه به موارد بیان شده، جامعه حرفه‌ای شهرسازی ایران نیاز به تدوین نظام جدید برنامه‌ریزی کالبدی در زمینه کیفی دارد. منظور از طرح این مسئله تشخیص نیازهای فوری جامعه به خاطر کمبودهای فراوان کیفیت محیطی است. این تشخیص تنها با ارزیابی تجربیات گذشته امکانپذیر است. این که این تجارب تا چه میزان تحقق پذیر بوده‌اند و چه محصولاتی را ارائه کرده‌اند، باید از تجربیات گذشته درس گرفت و در فرایند انجام پروژه‌های طراحی شهری آتی به کار بست. پروژه‌های طراحی شهری ابتدا باید به وسیله استفاده کنندگان و سپس متخصصان مورد ارزیابی قرار گیرند. از این رو، یکی از دغدغه‌های اصلی، کندوکاو و تحلیل علل ناکامی و یا کم اثر بودن این قبیل پروژه‌ها و یافتن راهکارهایی برای ارتقای موفقیت و تحقق آنهاست. با توجه به این که تاکنون در ارتباط با بررسی وضعیت تحقق این پروژه‌ها، مطالعات چندانی انجام نگرفته، مسئله اصلی این تحقیق، کندوکاو در تحقق پذیری پروژه‌های طراحی شهری به عنوان نمونه‌ای از طرح‌های توسعه شهری در ایران است و این که نسخه ایرانی طراحی شهری، در فرایند اجرایی خود به چه میزان از تحقق دست یافته است. این تحقیق قصد ارزیابی و تحلیل پروژه‌های طراحی شهری ایران را با رویکرد تحقق پذیری داشته و سعی در ارائه پیشنهادهایی برای ارتقای تحقق پذیری آن به عنوان یکی از طرح‌های توسعه شهری براساس نتایج تحقیق و بستر موجود دارد.

در این تحقیق ابتدا برای شناسایی معیارهای مطلوب تحقیق، نظریات و آرای اندیشمندان مختلف شهرسازی درباره تحقق پذیری مورد مطالعه قرار می‌گیرد و سپس نظریات میشل فوکو و یورگن هابرماس در زمینه نقش قدرت و تعامل که می‌تواند در زمینه تدوین مدل مطلوب تحقیق مؤثر واقع گردد، بررسی می‌شود. در انتها پس از ارزیابی و شناسایی معیارهای مهم در تحقق پروژه‌های طراحی شهری ایران، پیشنهادها در قالب مدل مفهومی تحقیق ارائه می‌گردد. گفتنی است مدل یاد شده مفهومی و کلی بوده و راهنمای ارائه جزئیاتی مانند نحوه عملیاتی کردن آن و همچنین ترکیب مناسب الگوهای پیشنهادی خواهد بود.

۲. مبانی نظری تحقیق

پروژه‌های طراحی شهری با هدف ارتقای کیفی فضاهای شهری از اوایل دهه هشتاد شمسی در زمره طرح‌های توسعه شهری ایران قرار گرفته و تجربیات مختلفی را گذرانده‌اند. پروژه‌های طراحی شهری می‌توانند مهمترین رکن در اجرا و تحقق اهداف

طرح‌های جامع قلمداد گردند. ضمن آن که اینگونه طرح‌ها نقش انکارناپذیری در ارتقای کیفیت محیط زندگی دارند. در زمینه تحقق‌پذیری پروژه‌های طراحی شهری تاکنون پژوهش جامع و مستقلی در جهان و ایران انجام نشده و شاید از این نظر تحقیق حاضر نوآوری داشته و منحصر به فرد باشد.

۲.۱. تحقق‌پذیری در طراحی شهری

یکی از دغدغه‌های اصلی طراحی شهری، کندوکاو و تحلیل علل ناکامی پروژه‌های طراحی شهری است. به عبارت دیگر این پرسش مطرح می‌شود که چرا این گونه پروژه‌ها که بر پایه نظریات و به وسیله نخبگان این حرفه تهیه شده‌اند، در مرحله عمل به تولید فرآورده‌های مطلوب منجر نگردیده‌اند؟ به نظر می‌رسد که پاسخ این سؤال در رابطه علی میان کیفیت فرآیند و کیفیت فرآورده باشد. به عبارت دیگر عدم توجه به نقش فرآیند در مشروط نمودن کیفیت فرآورده طراحی شهری (یعنی غفلت از پیوند میان فرآیند و فرآورده) می‌تواند توضیح‌دهنده ناکامی بسیاری از پروژه‌ها باشد. پس از آن که ادبیات تحقق‌پذیری شروع به پدیدار شدن کرد، سؤالاتی از این قبیل پیش آمد: چگونه تحقق‌پذیری می‌تواند فرآیند برنامه‌ریزی را از طریق مفهوم‌سازی و سنجش امکان‌پذیری آنها تنظیم نماید. در اینجاست که تفکر فرآیندی و فرآیند طراحی شهری به مثابه روش و ابزاری مناسب برای مواجهه با مسائل پیچیده سازمان یافته جلوه می‌کند. بر خلاف روش‌های سنتی طراحی که طرح در جعبه سیاه ذهن طراحان شکل می‌گرفت، روش فرآیندی برپایه تفکر واگرا به تولید طیفی از راه‌حل‌های مناسب می‌انجامد و با انطباق مؤثرتر با شرایط مورد مداخله موجب بالا بردن احتمال تحقق‌پذیری پروژه‌های طراحی شهری می‌شود (Golkar, 2011, p.24). در زمینه پروژه‌های طراحی شهری، بسیاری از پیشنهادها به اجرا نمی‌رسد. بعضی از پروژه‌ها با آنچنان فرآیندهای اجرایی طراحی شده‌اند که در عمل قابلیت اجرا نداشته‌اند. بعضی قربانی تغییر و تحولات غیرعادی سیاسی شده‌اند. برخی دیگر حقوق مالکان را نقض کرده‌اند و یا این که منابع مالی مورد نظرشان در دسترس نبوده است. برخی دیگر نیز به این دلیل اجرا نشده که سرمایه‌گذار مربوطه انگیزه‌ای برای مشارکت در ساختن اجزای طرح پیدا نکرده است. در پروژه‌های طراحی شهری هر یک از متخصصان طراحی، افراد عادی، شهروندان و سیاستمداران باید همواره از یک اراده قوی برخوردار باشند. برای دستیابی به طراحی شهری موفق باید یک فعالیت حرفه‌ای مشارکتی میان گروه‌های مذکور ایجاد شده و بر پایه معرفتی معینی تکیه شود تا ارتباط مناسبی میان محیط و رفتار انسان شکل گیرد. فرایند طراحی و تولید محیط مصنوع در طراحی شهری، متضمن انواعی از عوامل و تصمیم‌گیران است که آنها از بسیاری جهات اهدافشان، انگیزه‌هایشان، مباحثشان و محدودیت‌هایشان در امر تحقق تأثیر دارد. فرایند توسعه تابع روابط اجتماعی خاص زمان و مکان و نیز متضمن انواعی از عوامل کلیدی (زمین داران، سرمایه‌گذاران، آبادگران، سازندگان، مشاغل حرفه‌ای و مصرف کنندگان) است. یکی از شرایط حرکت از موقعیت تهیه طرح‌های پراکنده، سلیقه‌ای و غیر نظام‌مند در حوزه طراحی

شهری به سمت موقعیتی که در آن دانش و فن طراحی شهری در نظام برنامه‌ریزی کشور نهادینه شود، تدوین شیوه‌ای موجه برای اجرای این پروژه‌هاست. هدف نهایی در طراحی شهری، دست یافتن به تصمیماتی در جهت ایجاد تحولات واقعی در شهر (طراحی شهری واقعی) است و نه تولید مجموعه‌ای از تصاویر رویایی و تحقق‌ناپذیر (طراحی شهری کاغذی). از این رو پیشنهاد‌های طراحی شهری، اگر قرار باشد به اجرا درآید و به ایجاد تحولی واقعی در شهر بینجامد، باید بر قوانین موضوعه و دیگر مستندات قانونی کشور استوار باشد (Golkar, 2009, p.55).

۲.۲. معیارهای تحقق‌پذیری پروژه‌های طراحی شهری ایران

برای شناسایی معیارهای تأثیرگذار در فرایند تحقق‌پذیری پروژه‌های طراحی شهری، با مروری بر نظریات اندیشمندان مختلف (نمودار شماره ۱) و با استفاده از روش تحلیلی-تطبیقی، ابتدا آن دسته از معیارهایی که بیشتر مورد تأکید بودند، انتخاب شده و براساس مراحل سه‌گانه فرایند طراحی شهری (تهیه، تصویب و اجرا) دسته‌بندی گردیدند. سپس معیارهای برآمده از نظریات اندیشمندان با توجه به شرایط ایران بومی‌سازی شده، تدقیق و تکمیل شدند. به منظور بومی‌سازی، تدقیق و تکمیل معیارهای مؤثر در فرایند تحقق‌پذیری پروژه‌های طراحی شهری در ایران، نظریات خبرگانی که در فرایند یاد شده در ایران تأثیرگذار بودند، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. بدین منظور مصاحبه حضوری عمیق با ۲۴ صاحب‌نظر (مدیران عامل شرکت‌های مهندس مشاور به عنوان تهیه‌کننده پروژه‌ها، کارفرمایان و مدیران شهری به عنوان تصویب‌کننده پروژه‌ها و پیمانکاران به عنوان مجریان پروژه‌ها) از یک سو و اساتید دانشگاه از سوی دیگر انجام یافته است. گفتنی است در انتخاب افراد مصاحبه‌شونده از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. در نهایت پس از پردازش نظریات و آرای صاحب‌نظران، معیارهای منتخب در نمودار شماره یک ارائه می‌گردد.

۲.۳. جایگاه قدرت و تعامل در اندیشه فوکو و هابرماس

نادیده گرفتن نقش و سازوکار قدرت در جهان واقع، محل فهم صحیح وضعیت و بازدارنده اقدامات مؤثر است. این کوتاهی در فرایند تصمیم‌گیری، غفلتی است که لاجرم تحقق‌پذیری و اثربخشی پروژه‌ها را با تردید جدی روبه‌رو می‌کند. چنین به نظر می‌رسد که ملحوظ نمودن نقش قدرت در فرایند طراحی شهری منوط به پر کردن شکاف میان مفهوم دانش (عقلانیت) از یک سو و مفهوم قدرت از سوی دیگر باشد. براساس نظر گلکار (2011)، با استفاده از دانش - واژه‌های پیشنهادی میشل فوکو، به ویژه مفهوم کلیدی «قدرت/دانش»^۱ می‌توان به پر نمودن شکاف مورد بحث کمک کرد و سازوکارهای در هم آمیزی جنبه دانش محور طراحی شهری با ملاحظات قدرت در محیط تصمیم‌سازی را بهتر توضیح داد. براساس نظر فوکو (2009)، قدرت در واقع هم مخلوق دانش است و هم خالق آن. به عبارت دیگر دانش و قدرت را دو

چهره یک چیز یعنی دیسیپلین^۲ انطباق می‌داند؛ در واقع تلفیق همه جانبه دانش و قدرت. براساس نظر او، قدرت همیشه وجود دارد. در طراحی شهری باید کارکرد قدرت و زبان در راستای توجیه نظام حقیقت برخاسته از گفتمان‌هایی باشد که ذی‌نفعان آن را نمایندگی نمایند.

با توجه به موارد بیان شده، بهتر است برای درک دقیق‌تر و کامل مفهوم طراحی شهری، آن را در چارچوب بزرگتر «نظریه فرایند»^۳ مورد توجه قرار دهیم. از آنجا که نظریه فرایند به علل و چگونگی شکل‌گیری اشیا و پدیده‌ها می‌پردازد، با استفاده از آن بهتر می‌توان به ماهیت فرآورده‌ها و رخدادها پی برد. بدین منظور دو نظریه از چهار نظریه اندیشمندان در مورد فرایند (Golkar, 2011) که می‌توانند به عنوان مبانی نظری فرایندی مطرح شوند، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. دلیل انتخاب دیدگاه‌های فوکو و هابرماس در این قسمت، نزدیکی آرای آنها به شرایط موجود ایران است.

۲.۳.۱. جایگاه قدرت در اندیشه میشل فوکو

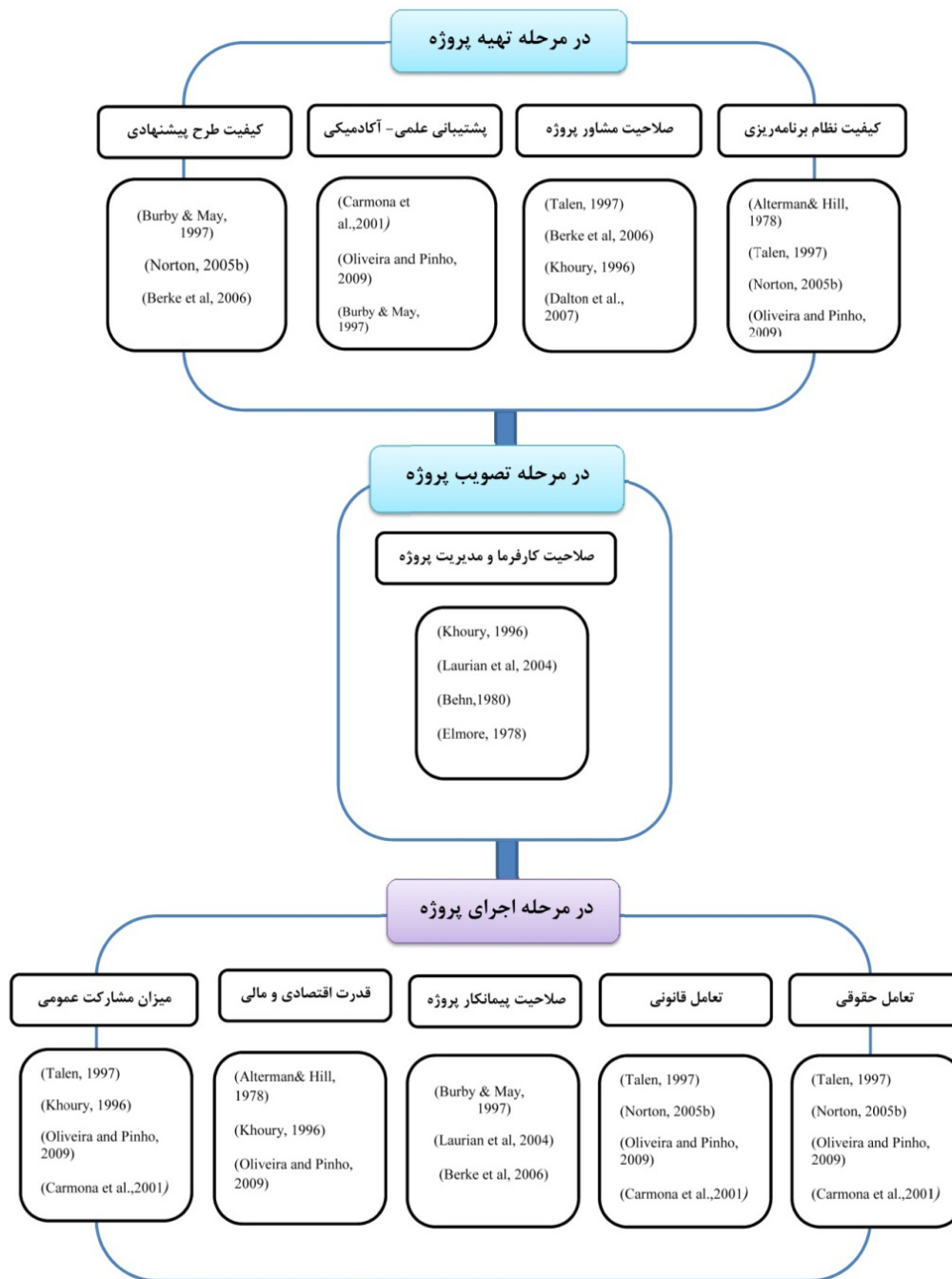
میشل فوکو یکی از تأثیرگذارترین متفکران معاصر فرانسوی به شمار می‌رود. فوکو در اندیشه‌های خود جایگاه بسیار مهمی را برای مسائل اجتماعی و به ویژه قدرت در نظر داشته است. بسیاری از شارحان و ناقدان آرای او بر سر این نکته اتفاق نظر دارند که مهمترین دستاورد آثار فوکو تحلیل رابطه قدرت-دانش است. علاوه بر این، نمی‌توان از این مسئله غافل بود که اندیشه وی بر بسیاری از رشته‌های علوم اجتماعی تأثیرات مهمی گذاشته است. به طوری که بسیاری از متفکران جامعه‌شناسی و علوم سیاسی از آرای وی برای تبیین مسائل اجتماعی استفاده نموده‌اند.

فوکو می‌گوید که هر رابطه اجتماعی، یک رابطه قدرت است. اما او یادآور می‌شود که هر رابطه قدرت، الزاماً به سلطه ختم نمی‌شود. از نظر او، قدرت در اجتماع مدرن، نظامی از روابط مبتنی بر دانش (شبکه دانش/قدرت) است که فرد را در درون خود جا می‌دهد. به این معنا که فرد، همزمان که شناخته می‌شود (در دفاتر خارجی ثبت می‌شود و یا از درون خود را مطابق هنجارها و دانش تحمیل شده از سوی اجتماع می‌فهمد و طبقه‌بندی می‌کند) یا تحت نظام دانش‌هایی چون پزشکی، روان‌شناسی و یا آموزش قرار می‌گیرد، مرئی می‌شود و به این ترتیب، تحت سیطره قدرت قرار می‌گیرد (Foucault, 2005). قدرت، بدن افراد را نیز از طریق آموزش و نظم دادن به محیط زندگی تحت تأثیر قرار می‌دهد و به همین دلیل می‌توان از زیست-قدرت یا زیست-سیاستی حرف زد که می‌خواهد بر بدن اعمال شده و آن را در نظم مورد نظر خود سازمان دهد (Foucault, 2009). در نگرش سیاسی و فلسفی عمومی معاصر، قدرت همواره معادل حکومت تلقی می‌شود و حکومت، تنها صاحب امتیاز قدرت به حساب می‌آید و مردم فاقد آن هستند. بر پایه این نگرش، کشمکش اصلی در جوامع، تضاد بیان فرادستان «صاحبان قدرت» و فرودستان «افراد فاقد قدرت» است، بنابراین در این دیدگاه، چالش اصلی تلاش فرودستان برای به دست گرفتن

2 Discipline

3 Process Theory

1 Power/knowledge



نمودار شماره ۱: معیارهای مؤثر در تحقق پذیری پروژه‌های طراحی شهری

قدرت بر افراد اعمال نمی‌شود، بلکه از طریق آنان جریان می‌یابد. فوکو قدرت و مناسبات آن را در روابط میان شهروندان یا در مرز میان طبقات اجتماعی نمی‌بیند، بلکه آن را شبکه‌ای گسترده که تا اعماق جامعه پیش رفته است و همه افراد در این شبکه کم و بیش درگیرند، می‌داند؛ چه بالایی‌ها و چه پائینی‌ها، چه حاکمان، چه زبردستان، همگی در مسیر اعمال قدرتند (Jahandideh, 1999). فوکو در تعریف خود از قدرت، به مثابه اصل سازنده نظام‌های سیاسی اظهار می‌دارد که قدرت ماشین یا سازوکاری نیست که بر روی جاده‌ای مرده و بی‌حرکت عرض اندام کند، بلکه بر روی انسان‌های زنده که از خود ابتکار عمل و اختیار دارند، اعمال

تمام یا بخشی از قدرت و در پی آن رسیدن به رهایی و آزادی است؛ در حالی که از چشم‌انداز فوکو، نباید قدرت را به منزله امتیازی که تصاحب و تملک می‌شود، در نظر گرفت. قدرت هرگز در تملک کسی نیست. بلکه باید آن را به منزله شبکه‌ای از مناسبات دانست که همواره در حال گسترش و فعالیت است. اصولاً قدرت مانند چیزی محاط که معمولاً زنجیره‌ای عمل می‌کند، است. به عبارتی، قدرت شبکه‌ای عمل می‌کند و افراد نه تنها در میان تارهای این شبکه در گردشند، بلکه همواره در وضعی قرار دارند که هم به قدرت تن می‌دهند و هم آن را اعمال می‌کنند. در این رویکرد دیگرانسان‌ها هدف بی‌تحرك و تن داده به قدرت نیستند. طبق این نگرش،

می‌شود. یعنی قدرت قبل از این که اعمال زور باشد، ایجاد نوعی رابطه است که در تعریف نهایی قدرت دخیل است (Dreyfus & Rabino, 1997, P.313). فوکو ضمن تأکید به پراکندگی قدرت در هیأت اجتماع و این نکته که قدرت به نهادهای سیاسی محدود نیست، می‌گوید: «قدرت نقش مستقیماً مولدی ایفا می‌کند که ناشی از پایین است. چند جهت عمل می‌کند و هم از بالا به پایین و هم از پایین به بالا اعمال می‌شود.» به تعبیر فوکو درست در زمانی که تکنولوژی‌های قدرت در درون نهادهای خاص مانند مدارس، پادگان‌ها، بیمارستان‌ها و زندان‌ها تجلی می‌یابند، قدرت مشرف به حیات واقعاً آغاز به کار می‌کند.

از زاویه دیگر که به مفهوم قدرت در آرای فوکو توجه می‌کنیم، به یک جمع‌بندی کلی از وی در رابطه با قدرت بر می‌خوریم. وی، سه چهره از قدرت، یعنی قدرت گفتمانی^۱، قدرت سازمانی یا دیسیپلینی^۲ و قدرت مشرف به حیات^۳ را از هم تفکیک می‌کند. چهره گفتمانی قدرت در نزد فوکو، در واقع تمرکز آن در دست حاکمیت است. از نظر فوکو قدرت گفتمانی یا قدرت معطوف به حاکمیت، قدرتی است که به جای آن که بر بدن‌ها و اعمال آنها اعمال شود، بر روی زمین و تولیدات آن اعمال می‌گردد. ویژگی این قدرت این است که به طور مستقیم اعمال می‌شود و از طریق تملک، دارایی و ثروت جامعه و مستقل از کنش و واکنش، با پیکره جامعه که ملت را می‌سازد، تداوم می‌یابد. به تعبیری، این قدرت از سوژه به سوژه حرکت می‌کند و رابطه سیاسی سوژه با سوژه را برقرار می‌سازد و از این لحاظ، با قدرت انضباطی متفاوت است که برعکس، در طبیعت جسمانی به شیوه‌ای فراگیر نفوذ می‌کند. قدرت انضباطی بدون سرکوب، متقاعدکننده است و کنش‌های سرکوب‌گرایانه خود را بر روی احساسات و حوزه رفتاری اعمال می‌کند و به احساسات و رفتارها اجازه می‌دهد که در پیکره جامعه، خود را مانند یک داده قابل قبول و یا یک سنت، باز تولید کنند. در دیدگاه فوکو، قدرت مشرف به حیات صرفاً همزاد خشونت و اجبار نیست، بلکه در برگیرنده تعامل تکنیک‌های مختلف انضباطی و تکنولوژی‌های پنهان‌تری است.

تلقی سنتی از مفهوم قدرت، دولت را محل تجمع قدرت و سیاست را عمل متمرکز بر قدرت قلمداد می‌کند، اما مقصود فوکو از قدرت فقط قدرت سیاسی دولت نیست. برای فوکو قدرت فقط بخشی از صحنه حیات اجتماعی نیست، بلکه تمام صحنه است. قدرت همه جا حاضر است و در هر قلمرویی می‌توان از آن سراغ گرفت؛ نه فقط در دولت که در مدرسه، محیط کار، رسانه، کلیسا، نهادهای خیریه و حتی روابط دوستی و زندگی خانوادگی، نه فقط در رابطه پلیس و متهم، بلکه در رابطه پزشک و بیمار. قدرت فعل یا صفت یک سوژه (فاعل) فردی یا جمعی نیست، بلکه کنشگری از ارتباط‌های ویژه و محلی که به اتفاق هم کالبد اجتماعی را شکل می‌دهند، است. در همین حال، از نظر فوکو قدرت فقط امری منفی و بازدارنده نیست، بلکه مقوله‌ای مولد و امکان‌بخش است.

قدرت فقط سرکوب نمی‌کند، بلکه سوژه‌های خاص خود را خلق می‌نماید و آنان را در جایگاه خود در کالبد اجتماعی جا می‌دهد. البته «هر جا که قدرت هست، مقاومت هم هست»، ولی جایی بیرون از قلمروی قدرت وجود ندارد. خروج از هر سازوکار قدرت، به معنای ورود به سازوکار قدرت جدید است (Callinicos, 2006). از سوی دیگر میشل فوکو معتقد بود، دانش ایجادکننده قدرت است. بدین ترتیب که ابتدا از انسان‌ها موجودات شناسایی می‌سازد و سپس بر همین شناسایی‌ها تسلط پیدا می‌کند (Ritzer, 2009). به عقیده وی، قدرت، مولد دانش است. به عبارت دیگر، قدرت حقیقت و واقعیت فرد در مقام سوژه را تولید می‌کند. قدرت فرد منضبط و فرد بی‌انضباط، فرد بهنجار و نابهنجار، فرد دیوانه و سالم را تولید می‌کند و همه آنها را به موضوعات شناسایی برای دخالت قضایی و یا شناخت علمی بدل می‌سازد. در این راستاست که فوکو از ما می‌خواهد، تمامی آن سنتی که دخالت دانش را تنها در جایی امکان‌پذیر می‌داند که مناسبات قدرت در تعلیق باشند، را کنار بگذاریم. از دیدگاه وی، قدرت و دانش مستقیماً بر یکدیگر دلالت دارند؛ یعنی نه مناسبات قدرتی، بدون ایجاد حوزه‌ای از دانش و همبسته با آن وجود دارد، نه دانشی که مستلزم مناسبات قدرت نباشد و مناسبات آن را پدید نیآورد، امکان وجود می‌یابد (Fouladvand, 1997).

۲.۳.۲. نظریه کنش ارتباطی^۴ هابرماس

یورگن هابرماس فیلسوف آلمانی و از نظریه‌پردازان اجتماعی معاصر و وارث مکتب فرانکفورت است. نظریه کنش ارتباطی از شناخته‌شده‌ترین ایده‌های هابرماس به شمار می‌رود. کنش ارتباطی، نوعی کنش اجتماعی معطوف به حصول تفاهم است (Habermas, 2005). بر مبنای این نظریه، کنشگران برای رسیدن به یک درک مشترک از طریق استدلال، وفاق و همکاری با یکدیگر ارتباط متقابل برقرار می‌کنند (Mahdavi & Mobaraki, 2006). در تبیین و بررسی مفهوم کنش ارتباطی، لازم است در ابتدا به مفهوم شناسایی «کنش اجتماعی» پرداخته شود تا پس از روشن شدن مفهوم آن بتوان به درستی به معنای کنش ارتباطی رسید. هابرماس در تبیین و توضیح کنش اجتماعی می‌گوید که کنش اجتماعی دو حالت به خود می‌گیرد:

۱) کنش معطوف به موفقیت؛ این نوع کنش که به آن «کنش معطوف به هدف» و کنش معقول و هدفدار نیز گفته می‌شود، با انگیزه دستیابی به یک هدف و تعقیب حساب شده منفعت شخصی راجع است. در این نوع از کنش، عمل کنش‌گر واحد یا متعدد معطوف به هدف است، هدفی که بیشتر سازمان‌ها و اداره‌های بخش‌های خصوصی و یا سرمایه‌داری در تعقیب آن هستند و به صورت محاسبات کلان اقتصادی و ارزیابی و مقیاس ضرر و زیان است. در چنین کنشی افراد کنش خود را براساس محاسبات اقتصادی و یا مبنای غیرتفاهمی شکل می‌دهند و ساحت یا زمینه عمل آن نظام‌های اجتماعی مثل سازمان‌های بزرگ اقتصادی و اداری است. کنشگر در کنش معطوف به موفقیت، به‌گونه‌ای

1 Discursive Power

2 Power Disiplinary

3 Power Bio

معقولانه و حساب‌گرانه مناسب‌ترین وسایل را برای رسیدن به یک هدف و موفقیت شخصی، برمی‌گزیند (Habermas, 2005).

کنش معطوف به تفاهم؛ کنش معطوف به تفاهم که بدان «کنش ارتباطی» یا کنش تعاملی یا متقابل و عمل تفاهمی نیز گفته شده است، برخلاف کنش هدفدار که معطوف به یک هدف بود، دستیابی به تفاهم ارتباطی را دنبال می‌کند. در این نوع کنش که برخلاف کنش معقول، رابطه دوجانبه‌ای را در بر دارد، کنش افراد درگیر، نه از طریق حسابگری‌های خودخواهانه «موفقیت شخصی» بلکه از طریق کنش‌های تفاهم‌آمیز هماهنگ شده و افراد به هیچ روی در فکر موفقیت خود نبوده بلکه هدفشان را در شرایطی تعقیب می‌کنند که بتوانند برنامه‌های کنشی‌شان را بر مبنای تعریف‌هایی از موفقیت مشترک هماهنگ سازند (Alikhah, 1996).

کنش ارتباطی در واقع کنش متقابل میان عاملانی است که از گفتار و سمبل‌های غیرشفاهی به‌عنوان شیوه‌ای برای درک وضعیت متقابلشان استفاده کرده و سعی می‌کنند کنش‌های خود را از طریق استدلال با همدیگر یکپارچه و هماهنگ سازند (Mahdavi & Mobaraki, 2006). هابرماس در کتاب «نظریه کنش ارتباطی» در تبیین کنش ارتباطی می‌نویسد:

«در مقابل اینها (کنش راهبردی و ابزاری) من از کنش ارتباطی سخن می‌گویم؛ آنجا که کنش‌های کارگزاران نه از طریق محاسبات خودخواهانه موفقیت بلکه از طریق عمل حصول تفاهم هماهنگ می‌شود. در کنش ارتباطی مشارکت‌کنندگان در وهله نخست به سوی موفقیت‌های فردی خود سمت‌گیری نمی‌کنند، آنها هدف‌های فردی خود را تحت شرایطی دنبال می‌کنند که بتوانند نقشه‌های کنش خود را بر مبنای تعاریف مشترک از وضعیت هماهنگ کنند». در مورد مفهوم «حصول تفاهم» که مؤلفه کلیدی فهم کنش ارتباطی به شمار می‌رود نیز باید توجه داشت که مراد از این اصطلاح، رسیدن به هم‌فهمی دوطرفه در کنش ارتباطی بوده و بنا به گفته خود هابرماس مراد از آن فرآیند رسیدن به توافق در میان فاعلان در مقام گوینده و عمل‌کننده است (Habermas, 2005).

همان‌گونه که کنش ارتباطی هسته مرکزی اندیشه‌های هابرماس را تشکیل داده و تمامی اجزای عمده سلسله نظریه‌های وی از آن نشأت می‌گیرد، گفت‌وگو نیز هسته مرکزی کنش ارتباطی به حساب می‌آید، چرا که کنش ارتباطی از دید هابرماس در پی تحقیق تفاهم بوده که این تفاهم از مسیر گفت‌وگو حاصل خواهد شد. باید در نظر داشت که گفت‌وگو با زبان نمود خارجی می‌یابد و به این ترتیب زبان نقش محوری را در فلسفه هابرماس بازی می‌کند (Alikhah, 1996).

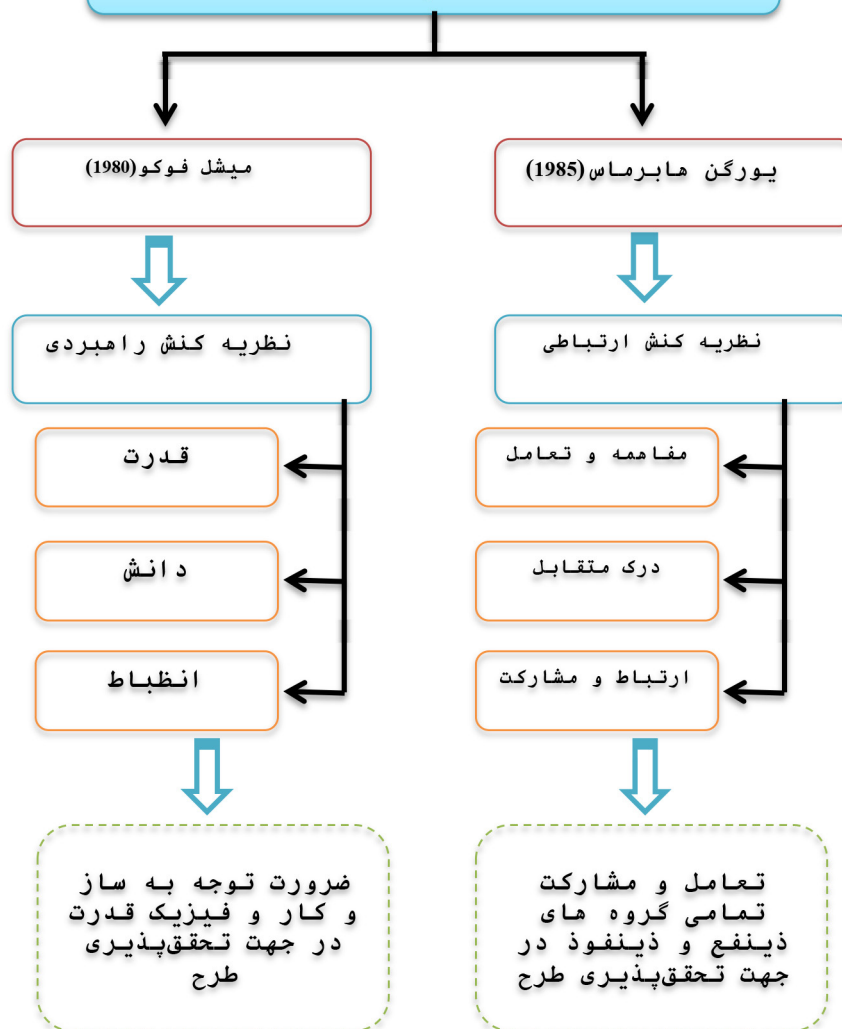
هابرماس، در نظریه کنش ارتباطی خود به دنبال ایجاد جامعه‌ای است که در آن کنشگران بتوانند بدون تحریف با همدیگر ارتباط داشته باشند و این ارتباط صرفاً مبتنی بر استدلال و منطق باشد و هیچ‌گونه اجبار و الزامی در آن مداخله نکند. به عبارت دیگر او می‌خواهد دوباره حوزه عمومی (همان حوزه سیاست و اجتماع که افکار عمومی می‌توانند در آن به طور آزاد به گفت‌وگو بپردازند) را با

طرح این نوع کنش احیا نماید. این نظریه به‌عنوان غایت خود، وضعیتی را در نظر می‌آورد که در آن ارتباط کاملاً آزادانه و نامحدود صورت پذیرد. هابرماس این نظریه را در مقام ارائه راه‌حلی برای «استعمار زیست‌جهان» که ناظر به سلطه عقلانیت ابزاری و نظام بر زیست‌جهان است، مطرح کرده و بر آن است که این روند باعث بحران‌های متعدد در جامعه سرمایه‌داری شده و تنها راه‌حل این قضیه در رهایی «زیست‌جهان» از چنگ استعمار «نظام» نهفته است تا از این طریق زیست‌جهان بتواند به شیوه مناسب خود (یعنی توافق ارتباطی آزادانه) عقلانی گردد (Mahdavi & Mobaraki, 2006).

هابرماس در نظریه کنش ارتباطی به فلسفه زبان روی می‌آورد. دومین وسیله که انسان‌ها با استفاده از آن محیط خود را تغییر می‌دهند، زبان است که به گفته هابرماس باعث شکل‌گیری علاقه عملی می‌شود. علاقه عملی به کنش انسان می‌پردازد؛ شیوه‌ای که کنش خود را برای دیگران تفسیر می‌کنیم. شیوه‌ای که یکدیگر را درک می‌کنیم. شیوه‌هایی که به اتفاق یکدیگر کنش‌هایمان را به سمت سازمان‌های اجتماعی هدایت می‌کنیم. مایکل پیوزی در کتاب خود که در مورد هابرماس نگاشته است، در مورد هدف هابرماس این‌گونه نوشته است: «هدف هابرماس از نظریه کنش ارتباطی، واژگون‌سازی فردگرایی تک‌گویانه نظریه‌های لیبرالی و فایده‌گرایانه در باب جامعه است. او کوشیده است یک بار و برای همیشه، نظریه اجتماعی را از تعمیم‌های شبه‌جامعه‌شناختی در مورد جامعه میرا سازد که اساس آن الگویی از یک فرد واحد است که صرفاً بر مبنای محاسبات استراتژیکی خود (در مورد هزینه و سود نسبی این یا آن کنش) به جهان می‌نگرد» (Pusey, 2005).

جمع‌بندی بحث این که باید در فرایند اجرایی پروژه‌های طراحی شهری، تمامی ویژگی‌های آرمانی و اخلاقی هابرماس در نظر گرفته شود. اما اگر به «طراحی شهری واقعاً موجود» بنگریم و یا به عبارتی به «آنچه که فرایند طراحی شهری است» توجه کنیم، باید به دیدگاه فوکویی هم‌رایی بیشتری نشان دهیم. قدرت در فرایند طراحی شهری وجه سازنده و مثبتی دارد. قدرت در کنار نقشه سلطه‌جویی و تحمیل می‌تواند در راه ایستادگی و رهایی نیز به کار گرفته شود. این فهم فوکو از قدرت، یک فهم شبکه‌ای است. یعنی قدرت تنها محدود به گروه خاصی نیست، بلکه همه گروه‌ها، بخشی از شبکه قدرت هستند. بررسی سازوکار قدرت در جریان تصمیم‌سازی‌ها، ماهیت دوسویه آن را نشان می‌دهد. برخی از مطالعات و نیز تجارب انجام پروژه‌های متعدد طراحی شهری نشان از این مسئله دارد که چگونه تصمیم‌گیری‌ها معمولاً به سمت تأمین منافع نهاد معینی سوق داده می‌شوند. نمودار زیر، جمع‌بندی نظریات فوکو و هابرماس را مبتنی بر تئوری فرایند و قابل استفاده در فرایند تحقق پروژه‌های طراحی شهری نشان می‌دهد. دیدگاه‌های ایشان به دلیل نزدیکی به شرایط ایران حائز اهمیت است. گفتنی است این دو نظریه بر گرفته از چهار نظریه فرایندی طراحی شهری گلکار (2011) است.

نظریات هابرماس و فوکو بر مبنای تئوری فرایند



نمودار شماره ۲: جمع بندی نظریات هابرماس و فوکو

۳. روش شناسی تحقیق

انجام این تحقیق، به دنبال پاسخگویی به پرسشی اساسی است: مدل مطلوب تحقق پروژه‌های طراحی شهری ایران چیست؟ بدین منظور برای دستیابی به مدل بیان شده، گام‌های زیر برداشته شده است. ابتدا با روش توصیفی-تحلیلی، مروری بر ادبیات و مبانی نظری موضوع صورت گرفته و سپس با روش تحلیلی-تطبیقی اهم معیارها از میان نظریات اندیشمندان مختلف شناسایی شده‌اند. در نهایت به منظور بومی‌سازی و انطباق آن با زمینه موجود ایران، مصاحبه عمیقی^۱ با صاحب نظران و بازیگران اصلی پروژه‌های طراحی شهری انجام می‌گیرد. افراد برگزیده از مدیران شهری، مهندسان مشاور، پیمانکاران و اساتید دانشگاه بوده و در رابطه با پروژه‌های طراحی شهری باتجربه و صاحب نظر هستند. روش انتخاب این کارشناسان براساس نمونه‌گیری هدفمند بوده است که تعداد ۲۴ نفر از خبرگان برای انجام مصاحبه انتخاب

می‌شوند. نتایجی که از مصاحبه حاصل می‌گردد، در تدقیق، تکمیل و بومی‌سازی معیارهای مورد نظر به کار می‌رود. بدین ترتیب معیارهای مطلوب تحقیق، نهایی می‌گردد. درگام بعدی با جمع‌آوری و تحلیل داده‌های حاصل از نظر ۳۴ کارشناس حاضر در فرایند اجرا در نرم‌افزار SPSS18 و با استفاده از آزمون فریدمن^۲، وزن هر یک از معیارها تعیین گردید. از سوی دیگر، با ابزار پرسشنامه، کارشناسان یاد شده میزان توجه و کاربست هر معیار را در هر یک از پروژه‌های منتخب تعیین کردند که نتایج آن، رتبه بندی معیارهای مؤثر در تحقق پذیری پروژه‌های طراحی شهری ایران است که با استفاده از تکنیک تاپسیس^۳ انجام می‌گیرد و از آن، در ارائه مدل نهایی تحقیق استفاده شده است. در نهایت با تلفیق نظریه کنش ارتباطی هابرماس و نظریه دانش قدرت فوکو با نتایج حاصله، مدل مطلوب تحقیق ارائه گردید.

2 Friedman Test

3 TOPSIS

1 In-depth Interview

۳٫۱. جامعه آماری تحقیق

جامعه آماری این تحقیق کل پروژه‌های طراحی شهری اجرا شده در شهر تهران در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ شمسی است. این پروژه‌ها از سوی سازمان‌ها و نهادهای مختلف شهری به انجام رسیده که در این میان سازمان زیباسازی شهر تهران دارای بیشترین تعداد پروژه‌های اجرا شده است. با توجه به این موضوع، جامعه آماری تحقیق ۳۴ پروژه اجرا شده سازمان یاد شده در شهر تهران است.

۳٫۲. شیوه نمونه‌گیری و حجم نمونه

در تحقیق حاضر با توجه به ماهیت موضوع تحقیق و جامعه آماری مورد مطالعه از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شده است. در این روش برای کاهش تغییرات جامعه، جامعه را به طبقاتی تقسیم می‌کنیم که تغییرات در داخل طبقات کم باشد اما در بین طبقات زیاد باشد. طبقه‌بندی می‌تواند براساس یک متغیر با توجه به اهداف مطالعه صورت گیرد. در این نوع نمونه‌گیری، از روش تخصیص نیمن استفاده شده است. از این رو قبل از انجام نمونه‌گیری لازم است که به طبقه‌بندی پروژه‌های طراحی شهری بپردازیم که نیازمند مطالعه پیرامون انواع دیدگاه‌های طبقه‌بندی این قبیل از پروژه‌هاست. با توجه به ماهیت پروژه‌های طراحی

شهری اجرا شده به وسیله سازمان زیباسازی تهران، به نظری‌رسد که نوع طبقه‌بندی گازلینگ و میتلند (1984)، مناسب این تحقیق باشد. چرا که این نوع طبقه‌بندی بر روی پروژه‌هایی تمرکز کرده است که هدف آن، ارتقای سیما و منظر شهری بانگاه معمارانه دهه هشتاد میلادی قرن گذشته است؛ دیدگاهی که بانگاه فعلی مدیریت شهری کشورمان انطباق زیادی دارد. براین اساس، ۳۴ پروژه تشکیل دهنده جامعه آماری در چهار دسته طبقه‌بندی شده‌اند. پس از طبقه‌بندی پروژه‌ها، با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای و با روش تخصیص نیمن، تعداد نمونه‌های مورد نیاز تحقیق که قابل تعمیم برای کل جامعه آماری باشد، انتخاب گردید. به این صورت که از دسته نخست تعداد سه پروژه، از دسته دوم تعداد یک پروژه، از دسته سوم تعداد یک پروژه و از دسته چهارم تعداد دو پروژه انتخاب شد. در نهایت نمونه‌های منتخب از هر دسته با روش نمونه‌گیری هدفمند و با به کارگیری چهار معیار موجود و در دسترس بودن اسناد و مدارک پروژه، جامع و کامل بودن اسناد و مدارک پروژه، مدت زمان بهره‌برداری پروژه و در دسترس بودن بازیگران و عوامل اصلی پروژه‌ها، به صورت جدول ۱۲ تعیین می‌شوند.

جدول شماره ۱: طبقه‌بندی پروژه‌های طراحی شهری اجرا شده تهران ۱۳۸۰-۱۳۹۰ شمسی

تعداد کل جامعه آماری	۳۴ پروژه	پروژه‌های اجرا شده
طراحی خیابان‌ها و مسیرهای پیاده	۱۵	۱) پیاده راه خیابان صف (سیهسالار)
		۲) پیاده راه خیابان مدائن
		۳) پیاده راه خیابان مظفرگدر فرهنگ و هنر
		۴) پیاده راه حرم حضرت عبدالعظیم
		۵) پیاده راه احسانی
		۶) بهسازی معبر پیاده آیت... کاشانی
		۷) بهسازی معبر پیاده معلم (یافت آباد تا معلم)
		۸) کفسازی محور ولیعصر
		۹) بهسازی معبر پیاده خیابان‌های آزادی و انقلاب
		۱۰) بهسازی معبر پیاده خیابان آیت
		۱۱) بهسازی پیاده روی بلوار کشاورز - کریمخان زند
		۱۲) بهسازی و زیباسازی مسیر پیاده اردستانی
		۱۳) بهسازی معبر پیاده شریعتی
		۱۴) ساماندهی محور ناصر خسرو
		۱۵) پیاده‌راه بازارچه جوادیه
طراحی شهری مبادین	۶	۱) آرامسازی و بهسازی میدان قزوین
		۲) آرامسازی و بهسازی میدان نبوت
		۳) طراحی شهری میدان ونک
		۴) طراحی شهری میدان آزادی
		۵) ساماندهی و بهسازی میدان حسن آباد
		۶) آرامسازی و بهسازی میدان نامجو
طراحی تفرجگاه‌ها	۵	۱) طراحی و اجرای ۸۸ باتوق محله
		۲) طراحی شهری رود دره فرحزاد
		۳) طراحی شهری کوهسران (مقصود بیگ)
		۴) طراحی شهری رود دره دارآباد
		۵) طراحی شهری رود دره ولنجک
ساماندهی بافت‌های باارزش تاریخی و بافت‌های فرسوده	۸	۱) بازسازی، ساماندهی و مرمت بازار تجریش
		۲) طراحی و اجرای مرمت و بازسازی چهارراه مخبرالدوله
		۳) ساماندهی محدوده محله جماران
		۴) ساماندهی محدوده برج طغرل
		۵) ساماندهی محور مروی
		۶) طراحی شهری محدوده ارگ تهران
		۷) محله امام علی
		۸) محله بیست

جدول شماره ۲: پروژه‌های منتخب تحقیق

پروژه	منطقه شهرداری	سال بهره‌برداری	تهیه کننده پروژه	مجری پروژه
پیاده راه خیابان شهید احسانی	منطقه ۱۹	۱۳۹۰	مهندسين مشاور نقش محیط	امین آسایش بنیان
بازسازی، ساماندهی و مرمت بازار تجریش	منطقه ۱	۱۳۸۹	مهندسين مشاور اثر مهرآز	مدیریت پیمان: فلات آسیا
طراحی شهری کوهسران (مقصود بیگ)	منطقه ۱	۱۳۸۷	مهندسين مشاور ابردشت	توسعه تحکیم بنا
ساماندهی و بهسازی میدان حسن آباد	منطقه ۱۲	۱۳۸۳	مهندسين مشاور آمود	صومه
ساماندهی محور تاریخی گذر مروی	منطقه ۱۲	۱۳۸۶	شرکت عمران و مسکن سازان منطقه مرکزی	شرکت عمران و مسکن سازان منطقه مرکزی
پیاده راه خیابان مظفر(گذر فرهنگ و هنر)	منطقه ۶	۱۳۸۹	مهندسين مشاور پارسوماش طرح	رهگشایان توران
پیاده راه خیابان صف (سپهسالار)	منطقه ۱۲	۱۳۸۶	دفتر معماری هادی قربانی و همکاران	توسعه تحکیم بنا

۴. تجزیه و تحلیل

پس از تعیین وزن و میزان اهمیت معیارها، به منظور شناسایی میزان توجه و کاربست معیارهای تحقیق در پروژه‌های طراحی شهری منتخب در وضعیت حاضر و تحلیل پیرامون تأثیر هر یک از آنها، رتبه‌بندی به کمک روش تاپسیس انجام می‌گیرد. روش

تاپسیس قوی‌ترین ابزار برای رتبه‌بندی گزینه‌ها بوده و در تحقیق حاضر به عنوان روش اصلی به کار رفته است. در این بخش با بهره‌گیری از تکنیک تاپسیس، به رتبه‌بندی ده معیار تحقیق بر اساس هفت پروژه منتخب می‌پردازیم.

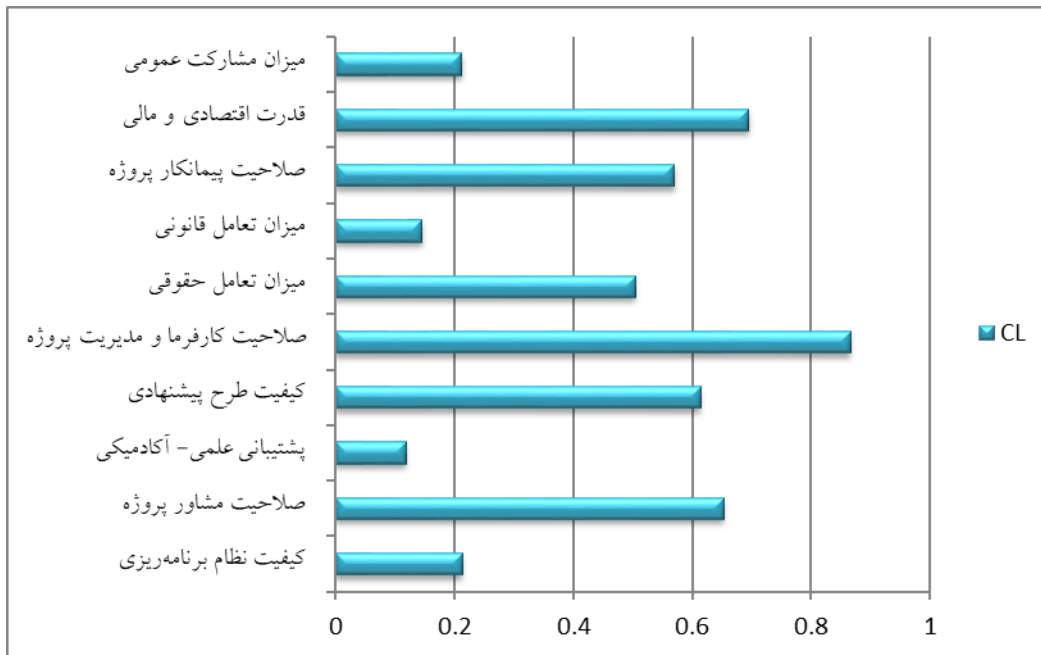
جدول شماره ۳: رتبه‌بندی ۱۰ معیار با استفاده از تکنیک TOPSIS

رتبه	CL	+d -d	+d	-d	معیار	گزینه
۱	۰٫۸۶۶۹۶	۰٫۱۰۱۴۰	۰٫۱۳۴۹	۰٫۸۷۹۱	صلاحیت کارفرما و مدیریت پروژه	معیار ۵
۲	۰٫۶۹۵۵۴	۰٫۰۹۸۴۴	۰٫۲۹۹۷	۰٫۶۸۴۷	قدرت اقتصادی و مالی	معیار ۹
۳	۰٫۶۵۳۵۵	۰٫۱۰۳۴۵	۰٫۳۵۸۴	۰٫۶۷۶۱	صلاحیت مشاور پروژه	معیار ۲
۴	۰٫۶۱۱۹۲	۰٫۰۹۷۶۲	۰٫۳۷۶۹	۰٫۵۹۹۳	کیفیت طرح پیشنهادی	معیار ۴
۵	۰٫۵۶۹۹۱	۰٫۱۰۴۸۰	۰٫۴۵۰۷	۰٫۵۹۷۳	صلاحیت پیمانکار پروژه	معیار ۸
۶	۰٫۵۰۳۹۱	۰٫۱۰۲۲۴	۰٫۵۰۷۲	۰٫۵۱۵۲	میزان تعامل حقوقی	معیار ۶
۷	۰٫۲۱۳۴۱	۰٫۰۹۶۹۰	۰٫۷۶۲۲	۰٫۲۰۶۸	کیفیت نظام برنامه‌ریزی	معیار ۱
۸	۰٫۲۱۲۲۸	۰٫۰۹۷۶۶	۰٫۷۶۹۳	۰٫۲۰۷۳	میزان مشارکت عمومی	معیار ۱۰
۹	۰٫۱۴۶۰۲	۰٫۰۹۸۷۴	۰٫۸۴۲۲	۰٫۱۴۴۲	میزان تعامل قانونی	معیار ۷
۱۰	۰٫۱۱۸۴۴	۰٫۰۹۸۹۷	۰٫۸۷۲۴	۰٫۱۱۷۲	پشتیبانی علمی-آکادمیکی	معیار ۳

با توجه به ۱۰ معیار و هفت پروژه و نتایج به دست آمده از روش تاپسیس، در وضعیت فعلی، معیار پنج (صلاحیت کارفرما و مدیریت پروژه)، معیار نه (قدرت اقتصادی و مالی) و معیار دو (صلاحیت مشاور پروژه) با وزن اهمیت ۰/۸۶۶۹، ۰/۶۹۵۵ و ۰/۶۵۳۵ به ترتیب در رتبه‌های اول، دوم و سوم قرار دارند که در جدول شماره ۲ نشان داده شده است. بنابراین این سه معیار در انجام پروژه‌ها از میزان توجه بالایی برخوردارند. در سوی مقابل معیارهای ۱۰ (میزان مشارکت عمومی)، هفت (میزان تعامل قانونی) و سه (پشتیبانی علمی-آکادمیکی) با وزن اهمیت ۰/۲۱۲۲، ۰/۱۴۶۰ و ۰/۱۱۸۴ در انجام پروژه‌ها از میزان توجه کمتری برخوردارند. نمایش گرافیکی نتایج رتبه‌بندی ده معیار در نمودار میله‌ای شماره ۳ آورده شده است.

با توجه به نتایج به دست آمده، معیارهای مرتبط با قدرت (مدیریتی، مالی و علمی) دارای بیشترین میزان توجه و معیارهای مرتبط با تعاملات (مشارکت عمومی، تعامل قانونی و پشتیبانی

علمی-آکادمیکی) کمترین میزان توجه را در پروژه‌های مورد مطالعه داشته‌اند. جمع‌بندی این که با توجه به نتایج حاصل از میزان توجه به معیارهای تحقیق‌پذیری پروژه‌های طراحی شهری ایران، معیار صلاحیت کارفرما و مدیریت پروژه، قدرت اقتصادی و مالی و صلاحیت مشاور پروژه رتبه‌های بالاتری در مقایسه با سایر معیارها به دست آورده‌اند. این نتیجه با توجه به نظام حاکم برنامه‌ریزی کشور و نقش بسیار مهم قدرت اجرایی و مالی کارفرما معقول به نظر می‌رسد. در مقابل، معیارهای میزان مشارکت عمومی، میزان تعامل قانونی و پشتیبانی علمی-آکادمیکی با امتیازات بسیار پایین، رتبه‌های نازل تری را به خود اختصاص داده‌اند. این نتیجه نیز ارتباط مستقیمی با فضای حاکم بر سیستم برنامه‌ریزی کشور در خصوص بی‌توجهی به بحث بسیار مهم مشارکت عمومی و دانشگاه‌ها در اجرای این قبیل پروژه‌ها دارد.



نمودار شماره ۳: مقایسه نتایج رتبه‌بندی معیارها در پروژه‌های منتخب

۵.۲. ارائه مدل پیشنهادی تحقیق

در این قسمت، قبل از بحث درباره مدل پیشنهادی، گفتنی است که پژوهش حاضر به دنبال رد یا تأیید نظریه‌های فلسفی فوکو و هابرماس و یا مقایسه و ارجحیت بخشیدن یکی بر دیگری نیست و صرفاً براساس تقسیمات نظریه‌های فرایندی گلکار (2011) و با تطبیق یافته‌های به دست آمده از نمونه مطالعاتی ایران، نکات قوت هر دو نظریه یاد شده برای به کارگیری در مدل نهایی پیشنهاد داده است. بدین منظور ابتدا به تبیین ارکان تشکیل‌دهنده مدل می‌پردازیم که با مرور و جمع‌بندی یافته‌های حاصل از تحقیق با توجه به وضع موجود ایران، انجام می‌پذیرد. در واقع این بخش از مطالعات، پایه اصلی دستیابی به مدل پیشنهادی مطلوب تحقیق می‌باشد.

- مدل تعاملی بهترین حالت ممکن برای جایگزینی مدل از بالا به پایین^۱، در کشورهای در حال توسعه‌ای مانند ایران در جهت مشارکت تمامی گروه‌های اجتماعی در برنامه‌ها و طرح‌هاست.
- با توجه به نتایج تجزیه و تحلیل تحقیق حاضر در زمینه فرایند تحقق پروژه‌های طراحی شهری، هر جا و هر زمان که لایه‌های آشکار و پنهان قدرت، پشتیبان و حامی اجرای پروژه‌ای بوده و بر آن نظر مثبتی داشته‌اند، آن پروژه تمام و کمال در مدت زمانی مناسبی به تحقق پیوسته است و برعکس. این امر نشانگر آنست که تعامل و مفاهمه با گروه‌های مختلف اجتماعی، به هیچ وجه مد نظر آنان نبوده و این گروه‌ها همیشه خارج از گود، تنها نظاره‌گر بوده‌اند. در واقع اقتدار دولتی-سیاسی، حاکم بلامنازع میدان اجرا و تحقق طرح‌های توسعه شهری در ایران است. به عبارت بهتر، در نظام حاکم همیشه قدرت حضور دارد.
- با ایجاد امکان تعامل، گروه‌های مختلف جامعه، خود

۵. بحث و نتیجه‌گیری

در این بخش یافته‌های تحقیق مورد مطالعه دقیق‌تری قرار گرفته و بحث پیرامون آن انجام می‌گیرد. یافته‌های تحقیق نشانگر آنست که در فرایند انجام پروژه‌های طراحی شهری در ایران، معیارهای مرتبط با قدرت (سیاسی-مدیریتی، اقتصادی و دانش)، دارای بیشترین میزان توجه و معیارهای مرتبط با گفتمان، مشارکت و تعامل (مشارکت عمومی، تعامل حقوقی و قانونی) دارای کمترین میزان توجه هستند. توجه به معیارهای تشکیل‌دهنده مثلث قدرت (سیاسی، اقتصادی و علمی)، در تحقق طرح‌های شهری ایران به ویژه پروژه‌های طراحی شهری حائز اهمیت است. از طرفی گفتمان (مشارکت عمومی، تعامل حقوقی و قانونی)، حلقه مفقوده فرایند یاد شده است. با وجود این مباحث، باید هر زمان به خاطر داشت که محیط مصنوع است که ما تسلط چندانی بر نیروهای تشکیل‌دهنده آن نداریم و پیشگامان، سازمان‌دهندگان و تغییردهندگان محیط مصنوع، معمولاً نه «ما» بلکه «آنها» هستند. «آنها» گروهی در سایه و بی‌نام که با اتکا بر فرایندهای مبهم به ایفای نقش و تغییر محیط می‌پردازند (Hillier, 2009).

۵.۱. یافته‌ها

با بهره‌گیری از تکنیک تاپسیس، معیارهای تأثیرگذار در تحقق پروژه‌های طراحی شهری ایران، اولویت‌بندی گردید و نتایج آن در تبیین مدل تحقق‌پذیری پروژه‌ها در ایران مورد استفاده قرار گرفت. مدل ارائه شده مبتنی بر سیستمی تعاملی میان لایه‌های قدرت در نظام برنامه‌ریزی ایران و مشارکت و گفتمان با حضور حداکثری تمامی طیف‌های مؤثر در تحقق پروژه‌های طراحی شهری است. همچنین یافته‌های تحقیق در زمینه معیارهای تحقق، مؤید موارد ذیل است. (جدول شماره ۴)

جدول شماره ۴: یافته‌های تحقیق

فاز پروژه	معیار	یافته‌ها
تهیه	کیفیت نظام برنامه‌ریزی	میزان توجه به جایگاه طراحی شهری در نظام برنامه‌ریزی و طرح‌های فرادست در شرایط موجود مطلوب بوده ولی شرح خدمات انجام پروژه‌ها استاندارد و به‌روز نبوده و مشکلاتی را در زمینه تهیه مناسب پروژه‌ها به وجود آورده است. از سوی دیگر به دلیل ناهماهنگی‌های موجود میان سازمان‌های ذی‌مدخل در شهر، موازی‌کاری و تداخل در تهیه پروژه‌ها به چشم می‌خورد. همچنین در نظام برنامه‌ریزی به مقیاس طرح‌ها از حیث فضاهای مورد مداخله توجهی صورت نگرفته است.
	صلاحیت مشاور پروژه	با توجه به ایجاد دوره‌های آکادمیک طراحی شهری و تربیت متخصصان، اکثر مشاوران تهیه‌کننده پروژه‌ها از کارشناسان خبره بهره می‌برند و در طول انجام پروژه معمولاً حضور و همکاری مداوم دارند. در سوی مقابل، گاهی به دلیل تحمیل نظریات کارفرما، عدم درک تنگنایهای اجرایی و اقتصادی و تأخیر در ارائه اسناد و مدارک طرح، روند تهیه پروژه دچار مشکل شده و شرایط وضع موجود نامطلوب ارزیابی می‌شود.
	پشتیبانی علمی-آکادمیک	خوشبختانه در سال‌های اخیر استخدام و به‌کارگیری اساتید طراحی شهری از سوی مهندسان مشاور مورد توجه بوده است. این امر به بالارفتن کیفیت پروژه‌ها کمک شایانی می‌نماید. در سوی مقابل، از سوی کارفرمایان دعوتی برای مشارکت و اعلام نظر حوزه آکادمیک در زمینه تدوین مبانی نظری و شرح خدمات پروژه‌ها انجام نگرفته است که در نهایت به تهیه پروژه‌هایی فاقد پشتوانه علمی مناسب انجامیده است.
	کیفیت طرح پیشنهادی	در تهیه پروژه‌ها در وضع موجود سعی بر آن شده است تا جای ممکن بر شرایط زمینه (ویژگی‌های محلی و بومی) تأکید گردد. ولی به دلیل در نظر نگرفتن ابعاد کیفی طراحی شهری و بی‌توجهی به برخی ملاحظات فنی، اقتصادی و زیست‌محیطی، کیفیت پروژه‌های پیشنهادی چندان مطلوب نیست.
تصویب	صلاحیت کارفرما و مدیریت پروژه	اکثر کارشناسان میزان توجه به نقش مدیریت طرح را مطلوب ارزیابی کرده و میزان دقت در انتخاب مشاور را بر حسب انجام مناقصات و مسابقات اصولی می‌دانند. هرچند میزان صحت و سلامت در برگزاری مناقصات، شک و شبهه‌هایی را به همراه دارد. توانمندی مرجع تصویب به دلیل نبود کارشناسان خبره و متخصص در تیم کارفرما کم بوده و تغییر ناپهنگام مدیران شهری، فرایند تصویب پروژه‌ها را با تأخیر مواجه ساخته است. از طرفی کارفرما در ایجاد هماهنگی میان مشاور و پیمانکار ناتوان بوده و تعجیل و خودنمایی برخی مدیران خلل اساسی به فرایند یاد شده وارد نموده است. از جمله ضعف‌های دیگر، عدم نظارت دائمی، ابلاغ دیرهنگام پروژه‌ها برای اجرا، عدم اختیار مدیران پروژه و ناهماهنگی میان ادارات شهری است. از سوی دیگر دیدگاه‌های جناحی و سیاسی نیز گاهی، فرایند انجام را با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو ساخته است.
	میزان تعامل حقوقی	میزان توجه به حقوق مکتسبه که در طرح‌های قبلی لحاظ شده‌اند، مطلوب بوده ولی میزان مشارکت مالکیت خصوصی و وقفی برای تسهیل اجرای پروژه، پایین و نامناسب ارزیابی شده است. از سوی دیگر، رفع معارضین (ترافیکی، ملکی و تأسیساتی) به کندی صورت گرفته و تعامل و همکاری با ادارات و سازمان‌هایی مانند برق، آب، فاضلاب و گاز مطلوب نیست. این امر سبب تأخیر اساسی در اجرای پروژه می‌گردد.
اجرا	میزان تعامل قانونی	پروژه‌های طراحی شهری ایران در وضع موجود قراردادهای شفاف و مشخصی دارند. ولی ضمانت‌های اجرایی چندان معتبری وجود نداشته و بین قوانین گاهی تضاد آشکاری وجود دارد. در برخی موارد قوانین دست و پاگیر بوده و به‌روز نیستند. همچنین بروکراسی اداری شدیدی میان سازمان‌های ذی‌ربط وجود دارد.
	صلاحیت پیمانکار پروژه	توان مدیریت اجرایی پیمانکار محدود بوده و نسبتاً از تجهیزات مناسبی برخوردارند. پیمانکاران فاقد نیروهای ماهر به اندازه کافی بوده و آمادگی کامل برای مقابله با شرایط خاص ندارند. بنیه مالی پیمانکاران فاکتوری مهم است که در صورت دیرکرد پرداخت به وسیله کارفرما، تأخیری در اجرای پروژه صورت نگیرد. ولی این فاکتور ضعیف بوده و به همراه بی‌توجهی به تذکرات کارفرما و عدم اجرای پروژه با حداقل تغییرات در کنار استفاده از روش‌های سنتی ساخت و عدم بهره‌گیری از تکنولوژی‌ها و روش‌های نوین اجرا از موارد مهم در ارتباط با صلاحیت پیمانکاران پروژه‌هاست.
	قدرت اقتصادی و مالی	با تلاش‌های انجام یافته درآمدهای شهرداری‌ها به عنوان اجراکنندگان پروژه‌ها تثبیت شده و به پایداری نسبی رسیده است. ولی به دلیل ضعف نظام اقتصادی کشور، تخصیص اعتبارات لازم برای اجرای پروژه‌ها به موقع انجام نمی‌گیرد و سازوکارهای مالی مناسبی وجود ندارد. میزان دقت در برآوردهای مالی پروژه بسیار پایین بوده و از انعطاف‌پذیری کمتری در مقابله با نوسانات اقتصادی مانند تورم برخوردار است. عموماً پرداخت مطالبات پیمانکار و مشاور پروژه نامنظم بوده و با تأخیر همراه است. فهرست بهای مشخصی نیز برای انجام کارهای شهری مانند پروژه‌های طراحی شهری وجود ندارد.
میزان مشارکت عمومی	میزان حضور و مشارکت شهروندان در اجرای پروژه پایین بوده، اطلاع‌رسانی در مورد پروژه‌ها انجام نمی‌گیرد و سرمایه‌گذاران اطمینان بالایی برای مشارکت در پروژه‌ها ندارند. شوراهای محلی و سازمان‌های مردم‌نهاد نقشی در اجرای پروژه‌ها نداشته و میزان مشارکت بخش‌های خصوصی، بانک‌ها و مؤسسات مالی بسیار پایین و نامطلوب است.	

می‌توانند در فرایند اجرای طرح‌های توسعه شهری صاحب قدرت شوند.

▪ زمینه فرصت‌هایی که برای طراحان شهری به وجود می‌آید، بسیار وابسته به نیروهای اقتصادی (بازار) و سیاسی (قانون‌گذار) است.

▪ با توجه به شرایط کشور در حال توسعه‌ای مانند ایران، توجه و کاربست نظریه «قدرت‌دانش» فوکو در تبیین روابط میان فرایند طراحی و دو مفهوم دانش و قدرت که پایه‌گذار طراحی شهری راهبردی است، ضرورت دارد.

▪ کاربست طراحی شهری ارتباطی با مفاهیمی مانند گفت‌وگو، مفاهمه، مذاکره، تعامل، مشارکت، همکاری و اجماع صورت می‌گیرد که ابزار اصلی آن «زبان» است.

▪ ایجاد توازن و کاربست مدل تعاملی میان رویکرد از بالا به پایین و از پایین به بالا پیشنهاد می‌شود. بدین صورت که رویکرد از بالا به پایین که بر پایه‌های قدرت استوار است و از سوی متخصصان، مدیران شهری و سیاست‌مداران پشتیبانی می‌شود با رویکرد از پایین به بالا که با مفاهمه و تعامل با همه گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ شکل می‌گیرد، به ترکیبی مطلوب برسد. چرا که غفلت از هر کدام، می‌تواند در فرایند تحقق پروژه‌ها، خللی اساسی ایجاد نماید.

▪ تعامل و گفت‌وگو، کلید حل مشکل و رفع موانع پیش روی تحقق پروژه‌های طراحی شهری ایران است. در عین حال باید به چگونگی کاربست تعامل در معادلات شهری، با توجه به روابط بسیار پیچیده شبکه قدرت توجه داشت.

▪ تمامی روابط و فعالیت‌های جوامع انسانی، همیشه ملازم و همنشین با قدرت است. نادیده گرفتن نقش و جایگاه قدرت در فرایند اجرای طرح‌های توسعه شهری، غفلی است که تحقق‌پذیری پروژه‌ها را با تهدیدی جدی روبه‌رو می‌سازد.

▪ در شرایط موجود ایران، تصمیم‌گیری مدیران شهری در فرایند اجرایی پروژه‌های طراحی شهری، بیشتر با ماهیت کنش راهبردی (وجه قدرت) است تا با ماهیت کنش ارتباطی (وجه تعامل). از سوی دیگر شاهد حضور سایه‌های قدرت به شکل آشکار و پنهان، رسمی و غیررسمی و انجام لابی‌های پشت‌صحنه در معادلات شهری هستیم.

▪ به منظور ارائه مدل مطلوب تحقیق، باید کوشید توازنی منطقی با تکیه بر عقلانیت میان قدرت و تعامل ایجاد کرد. همزمان می‌توان وجه سازنده و مثبت قدرت فوکویی را با ویژگی‌های اخلاقی و آرمانی هابرماس تلفیق نمود. در واقع ناجی اصلی تحقق پروژه‌های طراحی شهری در ایران، شکل‌گیری و زایش نوعی تعامل قدرت‌مدار در فرایند انجام آن است.

▪ در نهایت برای پیشبرد و تحقق مدل پیشنهادی تحقیق و حذف سایه‌های منفی قدرت، عوامل زیر بسیار تأثیرگذارند:

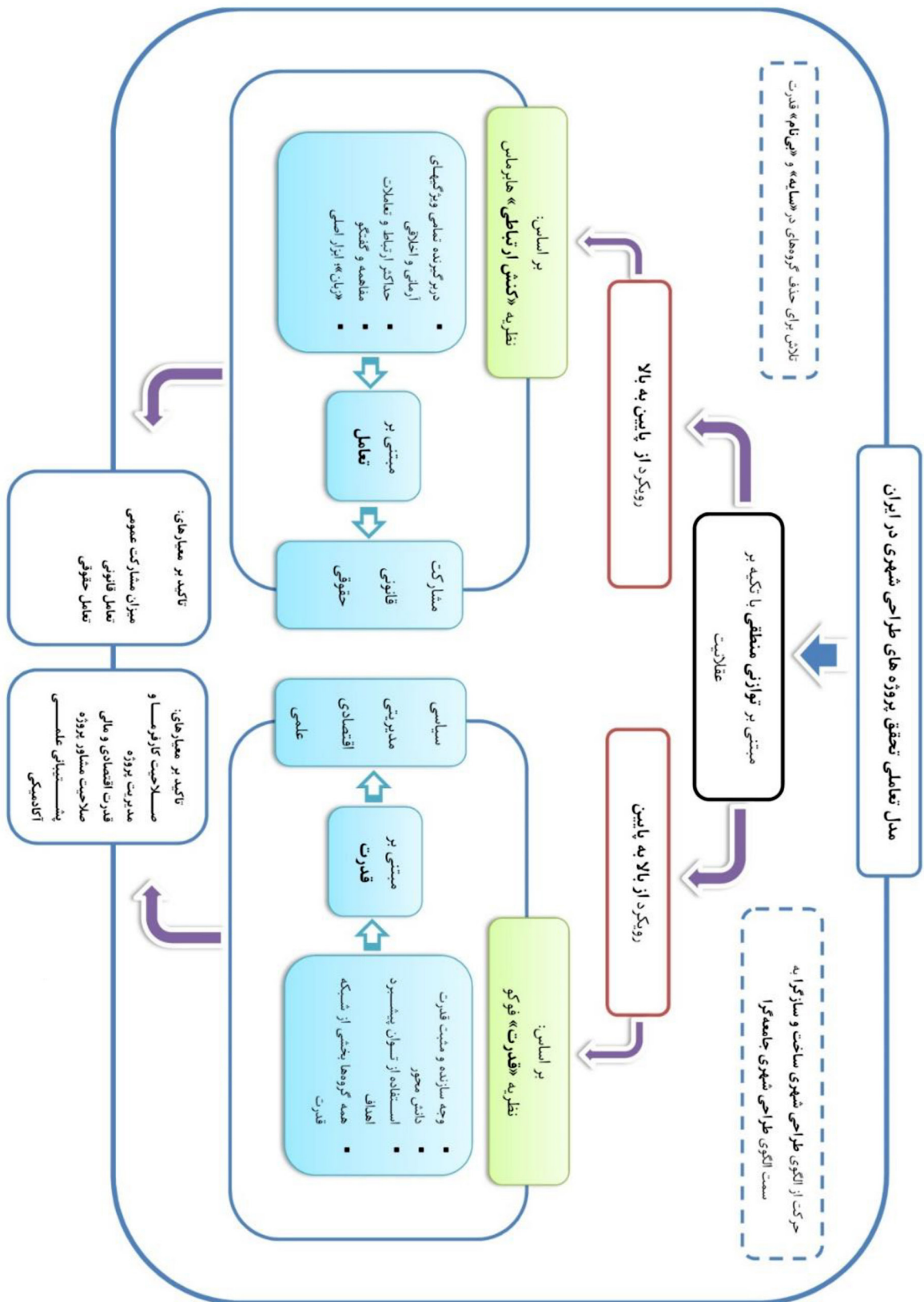
- حرکت از الگوی طراحی شهری ساخت‌وسازگرا به سمت طراحی شهری جامعه‌گرا،

- سطح توسعه‌یافتگی جامعه مدنی و فرهنگ عمومی شهروندان،

- فراهم بودن بسترهای مشارکت و تعامل در جامعه،

- میزان درک و آگاهی سطوح بالای قدرت از لزوم ارتقای تعاملات اجتماعی و باز شدن فضای جامعه در جهت مذاکره و مفاهمه و

- در یک کلام، شکل‌گیری پایه‌های دموکراسی در جامعه. مدل پیشنهادی تحقیق، براساس پردازش یافته‌های حاصل از تحقیق، با تکیه بر ارکان مورد مطالعه در بخش قبل ارائه می‌گردد. نمودار شماره ۴، مدل مفهومی تحقق‌پذیری پروژه‌های طراحی شهری در ایران را نشان می‌دهد.



نمودار شماره ۴: مدل مفهومی تحقیق پذیری پروژه های طراحی شهری در ایران

- and design based urban design, Soffeh Journal, no 46, 51-66, Tehran[in Persian]
- Golkar, K. (2011). Urban design: process or processes, Soffeh Journal, no 52, 57-72, Tehran[in Persian]
 - Gosling, D., Mitland, B. (1984). Concepts of Urban Design, Academy Editions/St. Martin's Press, London: 54-62
 - Habermas, J. (2005). Communication action theory, translated by Kamal Pouladi, Iran newspaper, Tehran[in Persian]
 - Hillier, J. (2009). Shadows of Power, translated by Kamal Pouladi and Marjan Zokaie, Iran Consulting Engineers Society publication, Tehran[in Persian]
 - Jahandideh, A. (1999). Critique of the Relationship of Power, Knowledge and Truth, Sobhe Emrouz, Tehran [in Persian]
 - Khoury, Zaki B. (1996). Implementing the new urban agenda: the case of Ismailia, Egypt, Environment & Urbanization, Vol 8 No 1 April.
 - Lang, J. (2005). Urban Design: A Typology of Procedures and Products, Oxford: Architectural Press.
 - Laurian, Lucie, Maxine Day, Michael Backhurst, Philip Berke, Neil Ericksen, Jan Crawford, Jennifer Dixon, and Sarah Chapman. (2004). What drives plan implementation? Plans, planning agencies and developers, Journal of Environmental Planning and Management 47 (4): 555-77.
 - Matland, Richard E. (1995). Synthesizing the Implementation Literature: The Ambiguity-Conflict Model of Policy Implementation. Journal of Public Administration Research and Theory: J-PART, Vol.5, No.2 (Apr. 1995) 145-174 pp.
 - Mahdavi, M., Mobaraki, M. (2006). Habermas Communication Theory Analysis, Social sciences journal, no 8, 2, Tehran[in Persian].
 - Norton, Richard K. (2005). More and better local planning: A statemandated local planning in coastal North Carolina, Journal of the American Planning Association 71 (1): 55-71.
 - Oliveira, V. & Pinho, P. (2009). Evaluating Plans, Processes and Results, Planning Theory & Practice, 10: 1, 35 – 63.
 - Pusey, M. (2005). Jurgen Habermas, translated by Ahmad Tadaion, Hermes publication, 2nd, Tehran[in Persian]

References:

- Alikhah, F. (1996). Communicative action and language in Habermas' thought, Rahbord Journal, no 13, 71, Tehran[in Persian]
- Alterman, Rachel, and Hill, M. (1978). Implementation of urban land use plans, Journal of the American Institute of Planners 33(1): 274-85.
- Behn, R.D. (1980). Why Murphy was right?, Policy analysis 6:361-363
- Berke, Philip, Backhurst, M, Day, M, Ericksen, N, Laurian, L, Crawford, J, and Dixon, J. (2006). What makes plan implementation successful? An evaluation of local plans and implementation practices in New Zealand, Environment and Planning B: Planning & Design 33 (4): 581-600.
- Burby R, May P, Berke P, Dalton L, French S, Kaiser E. (1997). Making Governments Plan: Experiments in Managing Land Use, Johns Hopkins University Press, Baltimore, MD: 25-38
- Callinicos, A. (2006). Social Theory: Historical Introduction, translated by Akbar Masoumbeigi, Agah publication, Tehran[in Persian]
- Carmona, M, de Magalhães and Edwards M. (2001). The Value of Urban Design, London, CABI (Thomas Telford): 34-44
- Carmona, M. Tiesdell, S. (2007). Urban Design Reader, Architectural Press, Oxford: 201-230
- Dalton, J. Elias, M., & Wandersman, A. (2007). Community psychology: Linking individuals and communities, (2nd ed.), Belmont, CA: Wadsworth.
- Dreyfus, H. Rabino, P. (1997). Michel Foucault: Beyond Structuralism and Hermeneutics, translated by Hossein Bashirieh, Ney publication, Tehran[in Persian]
- Elmore, Richard F. (1979). Backward Mapping: Implementation Research and Policy Decisions, Political Science Quarterly, Volume 94, No. 4, 601-616pp.
- Foucault, M. (2005). The History of Sexuality, translated by Nikou Sarkhosh and Afshin Jahandideh, Ney publication, Tehran[in Persian]
- Foucault, M. (2009). The Order of Things, translated by Bagher Parham, Agah publication, Tehran[in Persian]
- Fouladvand, E. (1997). Wisdom in politics, Tarhe no publication, Tehran[in Persian]
- Golkar, K. (2009). Policy oriented urban design

- Ritzer, J. (2009). Contemporary Sociological Theory, Social Theory: Historical Introduction. Mohsen salasi, Elmi publication, Tehran[in Persian]
- Talen, Emily. (1996). After the Plans: Methods to Evaluate the Implementation Success of Plans, Journal of Planning Education and Research.16(2), 79-91.
- Talen, Emily.(1997). Success, failure and conformance: An alternative approach to planning evaluation, Environment and Planning B: Planning & Design 24 (4): 573-87.

